

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد « M.A »
گرایش: تاریخ ایران باستان

عنوان:

**بررسی وضعیت اقتصادی و سیاسی سنگسر در ایالت قومن
باستان**

استاد راهنما:

دکتر میرزا محمد حسنی

استاد مشاور:

دکتر احمد اشرفی

نگارش:

نساء مصباحیان

زمستان ۱۳۹۳

تقدیم به

یون پژوهش دِ پیشکش کندی بِ دو دو ربابه ی اشتون کو همیشه هم روترین بُو. این پژوهش را به خواهر بزرگم رباب تقدیم می کنم که همیشه برایمان بهترین بوده است .

سیاسگزاری

با سپاس فراوان از راهنمایی‌ها و زحمات استاد محترم و گرانقدر جناب آقای دکتر میرزا محمد حسنی که از ابتدای راه و در طی انجام این تحقیق، با راهنمایی‌ها و حمایت‌های بی‌دریغشان مرا در نگارش این اثر یاری نمودند همچنین از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر احمد اشرفی (استادمشاور) که وقت خود را بی‌شائبه در اختیار من گذاشته و با دقت نظر خاصی مشاوره‌های لازم را در این خصوص ارائه نمودند و استاد بزرگوار جناب دکتر محمد نبی سلیم که زحمت داوری این اثر را برعهده گرفته اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم. همچنین سپاس و تشکر از تمامی اساتید گروه باستان که از محضر پر فیضشان بهره‌ها برده‌ام.

در پایان خالصانه تشکر می‌کنم از همه‌ی دوستانی که به نوعی مرا در انجام رساندن این مهم همراهی کردند.

و سخن پایانی‌ام یادی از دو عزیز (پدر و مادرم) سفر کرده به دیار باقی است که در زمان حیات شان همواره ارزش‌های سنگسر و سنگسری بودن را یادآوری می‌کردند.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

چکیده :	۱
فصل اول	۲
کلیات تحقیق	۲
۱-۱- بیان مسئله	۳
۱-۲- اهداف پژوهش	۳
۱-۳- پرسشهای پژوهش	۳
۱-۴- فرضیه های پژوهش	۳
۱-۵- پیشینه تحقیق	۴
۱-۶- روش تحقیق	۴
۱-۷- موانع و مشکلات	۴
۱-۸- پیکره بندی پژوهش	۴
۱-۹- معرفی و نقد منابع	۵
واژه نامه ی سنگسری	۵
تاریخ سنگسر	۵
منزلگاه های اشکانی	۶
کتاب دایره المعارف ایل ها، طوایف و اقوام استان سمنان	۶
تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان	۷
ادبیات عامیانه سنگسر	۷
بررسی زبان سنگسری	۷
تاریخ قومس	۷
گاهشماری سنگسری بر پایه ی یافته های تاریخی	۸
فصل دوم	۹
قومس در متون جغرافیایی و تاریخ	۹
۲-۱- درباره ی قومس	۹
۳-۲- وجه تسمیه قومس	۱۳
۲-۳- حدود و موقعیت قومس	۱۶
۴-۲- شهر های قومس	۱۸
فصل سوم	۲۰

۲۰	بررسی جغرافیایی و تاریخی سنگسر
۲۰	۳-۱- وضعیت سنگسر در دوره‌ی باستان
۲۸	۳-۱-۱- مادها
۲۸	۳-۱-۲- هخامنشیان
۲۹	۳-۱-۳- اشکانیان
۳۲	۳-۱-۴- ساسانیان
۳۴	۳-۲- فرهنگ و تمدن سنگسر در عهد باستان
۳۴	۳-۲-۱- وجه تسمیه سنگسر
۳۵	۳-۲-۲- موقعیت جغرافیایی سنگسر
۳۸	۳-۲-۳- نژاد مردم سنگسر
۶۰	۳-۲-۴- آثار و بناهای تاریخی سنگسر
۷۲	۳-۲-۵- گاهشماری
۸۴	فصل چهارم
۸۴	وضعیت سیاسی سنگسر
۸۵	۴-۱- دوره‌ی هخامنشی
۸۶	۴-۲- دوره‌ی اشکانی
۸۶	۴-۳- دوره‌ی ساسانی
۹۲	فصل پنجم
۹۲	وضعیت اقتصادی سنگسر
۹۲	۵-۱- دامداری
۹۴	۵-۱-۱- تعریف ایل
۹۵	۵-۱-۲- آغاز زندگی و سابقه تاریخی ایله‌ها و کوچ نشینها
۹۶	۵-۱-۳- ایل سنگسری
۹۷	۵-۱-۴- آئین باستانی گله داری
۱۰۶	۵-۱-۵- خیل خون‌ها
۱۰۸	۵-۱-۶- ویژگی‌های کوچ سنگسری
۱۰۹	۵-۱-۷- پشم چینی
۱۰۹	۵-۱-۸- نامگذاری دام
۱۱۱	۵-۱-۹- جایگاه شیردوشی
۱۱۳	۵-۱-۱۰- تیلیم
۱۱۵	۵-۱-۱۱- روش تهیه آرشه
۱۱۸	۵-۱-۱۲- انواع لور
۱۱۹	۵-۱-۱۳- وسایل چوپان
۱۲۱	۵-۱-۱۴- گوت (سیاه چادر عشایر سنگسری)
۱۲۳	۵-۲- صنایع دستی

۱۲۴	۱-۲-۵	هنر سوزن دوزی
۱۲۶	۲-۲-۵	چنگوم سازی
۱۲۹	۳-۲-۵	قالی بافی
۱۳۰	۴-۲-۵	سیاه چادر
۱۳۰	۵-۲-۵	مفرش
۱۳۰	۶-۲-۵	نمد
۱۳۳	۷-۲-۵	سایر صنایع دستی
۱۳۳	۸-۲-۵	فعالیت های جنبی عشایر سنگسر
۱۴۲	۳-۵	کشاورزی
۱۴۳	۴-۵	وضعیت تجاری
۱۴۴		تجارت در دوره ساسانیان
۱۴۸		نتیجه گیری :
۱۵۱		پیوست ها
۱۴۸		جدول ها
۱۴۸		شکل ها
۱۵۰		منابع و مراجع
مصاحبه	و	(راویان	شفاهی
۱۵۷		منابع (شوندگان)

چکیده :

این پژوهش سعی بر آن دارد تا به بررسی وضعیت سنگسر (واقع در ایالت قومس قدیم) در ابعاد مختلف سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی در محدوده تاریخ ایران باستان به ویژه در عهد اشکانیان و ساسانیان بپردازد و تا حد امکان با توجه به محدودیت منابع در مورد تاریخ ، جغرافیا و اقتصاد این دوره مستندات را ارائه دهد . به همین منظور دستاورد های موجود در این زمینه را مورد بررسی قرار داده است . با توجه به اهمیت ایالت قومس در دوره اشکانیان و تاکید بر این نکته که یکی از کهن ترین تختگاه های اشکانیان در این پهنه ی جغرافیایی قرار داشته است ، بنظر می رسد این ایالت در دوره مورد بحث از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است . هم چنین مطالعات زبان شناسی انجام شده بر این نکته تاکید دارد که زبان سنگسری یکی از شاخه های زبان پارتیان بوده که تا به امروز باقی مانده است . این امر اثبات می کند که در دوره اشکانیان ، این شهرستان از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است .

عبور مسیرهای تجاری در دوره اشکانی و ساسانی از این منطقه و تاثیرات اقتصادی آن بر سرزمین های همجوار ، شناسایی و معرفی آداب و رسوم و سنن مردم منطقه از دیگر موارد قابل بحث پژوهش می باشد .

لذا نگارنده بر آن شد تا با استفاده از رویکردهای متداول در مطالعات علوم انسانی و بهره مندی از شیوه ی نظری ، کتابخانه ای و میدانی به بررسی موضوع مذکور بپردازد .

کلید واژگان :

ایران باستان ، اشکانیان ، ساسانیان ، قومس ، راه ابریشم ، سنگسر

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسئله

این پژوهش سعی بر آن دارد تا به بررسی وضعیت سیاسی و اقتصادی سنگسر (ایالت قومس) در محدوده تاریخ ایران باستان بپردازد و ضمن بررسی این نکته که آیا عوامل سیاسی و اقتصادی در رونق سنگسر مؤثر بوده است یا خیر، مستندات تاریخی و علمی در دوره تاریخی باستان را نیز مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اهمیت ایالت قومس در دوره اشکانیان و تاکید بر این نکته که یکی از کهن ترین تختگاههای اشکانیان (صد دروازه) در این ایالت قرار داشته است، بنظر می‌رسد این ایالت در دوره مورد بحث از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. با توجه به بررسی های زبان شناسی اثبات شده است که زبان سنگسری یکی از شاخه های زبان پارتیان بوده که تا به امروز باقی مانده است. این امر اثبات می‌کند که در دوره اشکانیان، این شهرستان از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است. عبور مسیرهای تجاری در دوره اشکانی و ساسانی از این منطقه، از دیگر نکات مورد بررسی این پژوهش است.

مسئله ی اصلی در این پژوهش این است که چه مستندات تاریخی در باره ی وضعیت سیاسی و اقتصادی سنگسر در ایالت قومس وجود دارد؟

۱-۲- اهداف پژوهش

مهمترین هدف این پژوهش، تولید علم و ارائه نظریات علمی مستند و مستدل درباره موضوع و همچنین، گسترش ریشه یابی سنگسر در عهد باستان می باشد.

۱-۳- پرسشهای پژوهش

برای انجام پژوهش ابتدا سوالاتی مطرح می شود. سوالاتی از قبیل :

مطالعات زبان شناسی سنگسر چه نقشی بر شناخت هویت تاریخ مردم این منطقه در دوره باستان داشته است؟

عبور مسیر تجاری (جاده ابریشم) از ایالت قومس، چه نقشی بر رونق اقتصادی سنگسر در عهد باستان داشته است؟

متون جغرافیایی دوره باستان و متون قرون نخستین اسلامی، چه اطلاعاتی درباره وضعیت و تقسیمات سنگسر دارند؟

و ...

۱-۴- فرضیه های پژوهش

برای رسیدن به پاسخ پرسشهایی مانند پرسشهای مطرح شده در بخش قبل، ناگزیر به بیان فرضیه هایی هستیم. در ادامه چند فرضیه آورده شده است :

با توجه به بررسیهای زبان شناسان به نظر می رسد زبان سنگسری یکی از شاخه های کهن زبان پارتی بوده است.

به نظر می رسد رونق تجاری عصر اشکانیان با محوریت جاده ابریشم نقش مهمی در رونق تجاری این منطقه داشته است.

نام سنگسر بر متون جغرافیایی باستان نمود چندانی نیافته است اما در متون دوره اسلامی به نظر می رسد سنگسر جزئی از ایالت قومس بوده است.

متون جغرافیایی باستانی و اسلامی در بردارنده ی اطلاعات مختصری در باره ی سنگسر است اما این اطلاعات بیشتر جنبه ی توصیفی دارد.

۱-۵- پیشینه تحقیق

در خصوص موضوعات مختلف تاریخ سنگسر کتاب ها و مقالاتی از سالهای قبل نوشته شده است از جمله :

۱- گاهشماری سنگسری بر پایه های تاریخی از حسن پاکزادیان، سمنان، ۱۳۸۸

۲- سنگسر و واژه سنگسر از چراغعلی اعظمی سنگسری، مجله گاهشماری سنگسری، شماره هفت، ۱۳۵۲

مقالات و منابع محدودی در این زمینه کار شده و کمتر کسی کوشیده است در مورد مسائل اقتصادی و سیاسی سنگسر کار علمی انجام دهد.

۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق بر مبنای الگوی رایج در مطالعات علوم انسانی بر پایه روش کتابخانه ای و فیش برداری و پالایش و تصفیه فیشها و بعضاً استفاده از شبکه های کامپیوتری و میدانی می باشد.

۱-۷- موانع و مشکلات

۱- کمبود منابع

۲- فقدان مستندات باستانی

۱-۸- پیکره بندی پژوهش

این پژوهش شامل پنج فصل است که به شرح زیر می باشد:

فصل اول در مورد کلیات تحقیق می باشد. فصل دوم، به بررسی قومس در متون جغرافیایی و تاریخی پرداخته و فصل سوم، که به دو بخش وضعیت جغرافیایی و تاریخی سنگسر تقسیم شده مورد بررسی قرار می دهد. در فصل چهارم، وضعیت سیاسی سنگسر در دوره باستان بیان شده است. در فصل پنجم وضعیت اقتصادی سنگسر مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نیز نتیجه گیری پژوهش بیان شده است.

۹- معرفی و نقد منابع

واژه‌نامه‌ی سنگسری

واژه‌نامه‌ی سنگسری مهم‌ترین اثر علمی در گویش‌شناسی زبان سنگسری است که خاستگاه آن شهر سنگسر است.

این واژه‌نامه توسط پرفسور چراغعلی اعظمی سنگسری تألیف شده است و شامل شرحی درباره‌ی سنگسر، ۱۸۰۰۰ واژه‌ی سنگسری همراه با دستور زبان و ضرب‌المثل‌های سنگسری به سه زبان فارسی، انگلیسی و سنگسری است.

در این واژه‌نامه هزاران واژه و اصطلاح که شامل کلیه شئون زندگی شهری و عشایری مردم سنگسر است، ثبت و ضبط شده است.

این کتاب یکی از ارزنده‌ترین آثار علمی و تحقیقی است که در رشته زبان‌شناسی تدوین شده است. پرفسور چراغعلی اعظمی سنگسری کار تدوین بیش از ۱۸ هزار واژه سنگسری را از تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۳۳ آغاز و تا سال ۱۳۵۱ ادامه داد.

این واژه‌نامه در سال ۱۳۵۱ با همکاری پروفیسور گرنات ل. ویندفور توسط شعبه زبان دانشگاه میشیگان آمریکا در ۹۰۰ صفحه منتشر شده است.

با استناد به مقدمه‌ای که پرفسور اعظمی در ابتدای کتاب نوشته است، گردآوری واژه‌های سنگسری این کتاب ۱۸ سال طول کشیده که در ۱۱ سال آن ویندفور با وی در گردآوری اثر همکاری داشته است.

واژه‌نامه سنگسری در سه فصل تدوین شده است که عبارت‌اند از:

فصل اول: مقدمه جامعی از دستور زبان سنگسری نوشته پروفیسور گرنات ل. ویندفور

فصل دوم: واژه‌نامه سنگسری به سه زبان فارسی، سنگسری و انگلیسی

فصل سوم: ضمیمه‌ای از ضرب‌المثل‌های سنگسری

تاریخ سنگسر

کتاب تاریخ سنگسر اثر چراغعلی اعظمی سنگسری، زبان‌شناس و پژوهشگر برجسته اهل سنگسر است. چراغعلی اعظمی که تألیف اثر واژه‌نامه سنگسری و دهها تألیف دیگر پیرامون زبان و فرهنگ سنگسر را در کارنامه دارد، کتاب تاریخ سنگسر را در سال ۱۳۷۱ به رشته تحریر درآورد. چراغعلی اعظمی در مقدمه‌ای بر این اثر آورده است:

" اینجانب که خود پدر در پدر سنگسری بوده ام و از زندگی دوگانه سنگسریها در خود سنگسر و در اردوگاههای تابستانیشان برخوردار بوده ام و وجودم از راه و رسم و آداب سنگسری عجین گردیده است، از سال ۱۳۲۶ شمسی به این اندیشه افتادم آنچه را که از سده ها و هزاره های گذشته در سنگسر به یادگار مانده است برای روشنگری پیشینه نژاد سنگسری ها گردآوری نموده و به تدریج به انتشار آن پردازم. "

منزلگاه های اشکانی

«منزلگاه اشکانی» نوشته ایسیدور خاراکسی با ترجمه و پژوهش علی اصغر میرزایی منتشر شد. این کتاب که بر اساس نوشته های خاراکسی در قرن یکم پیش از میلاد تهیه شده، مسیر راه های تجاری و منزلگاه های ایران باستان را معرفی کرده است.

«منزلگاه های اشکانی»، «سفر به دور سرزمین اشکانیان»، «توصیف ایسیدور از جهان»، «توضیحات»، «یادداشت ها»، «گزارش های همسو از سالنامه های چینی»، «یک گزارش معاصر»، «مسیرهای تجاری ایران امروزی»، «سکه های اشکانی»، «اعلام تاریخی»، «اعلام جغرافیایی»، «فهرست شاهان» و «نمایه» بخش های مختلف کتاب را تشکیل می دهند که حدود جاده های تجاری کهن مادها و آشوریان را روشن می کند.

در بخشی از کتاب آمده است:

«اگر جاده ای که در منزلگاه های اشکانی آمده مسیر اصلی تجاری در زمان شاهنشاهی اشکانیان باشد، نشان می دهد که این شاهنشاهی در سرتاسر سرزمین های زیر سلطه اش مقررات دقیق تجاری اعمال می کرده است. از طرف دیگر، خبر از نبود نظارت تجاری در دیگر ایالاتی می دهد که عموماً خراج گزار اشکانیان تلقی می شوند و ظاهراً مشغول کارهای تجاری خودشان بوده اند.»

کتاب دایره المعارف ایل ها، طوایف و اقوام استان سمنان

این کتاب حاصل تلاش و زحمات بیش از ۲۲ سال کار میدانی علیرضا شاه حسینی است.

بخش قابل توجهی از این کتاب در خصوص زندگی عشایر و ایلات استان سمنان و زندگی بیلاقی و قشلاقی آنان که اکثراً به استان های همجوار نظیر: مازندران، تهران، البرز، خراسان رضوی و گلستان کوچ می کردند، نگاشته شده است.

در خصوص محتوای این کتاب باید گفت: از ایل سنگسری گرفته تا طایفه افتری، الیکایی، گرایلی، مناطق شمالی دامغان و ۴۵ طایفه مهم استان سمنان اعم از ترکها، لرها، بلوچها، سنگسریها، پروریها، مازندرانیها و فارسها، در این کتاب معرفی شده اند.

گفتنی است، این مجموعه تک جلدی، دارای ۲۶۵ صفحه و شامل ۲۷ بخش است، که هر یک به معرفی یکی از ایل‌ها، طوایف و اقوام بومی و مهاجر استان سمنان می‌پردازد.

تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان

این اثر، چاپ دوم کتاب "تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان" است که توسط محقق آلمانی، "هرمان آلفرد فرایهر فن گوتشمید" (۱۸۳۱-۱۸۸۷) به نگارش در آمده است. این کتاب، در دو بخش عمده تاریخ تحولات سیاسی ایران را پس از فتح اسکندر و جانشینان او - یعنی دوره سلوکی و تمدن هلنی- تا پایان کار اشکانیان بازگو می‌کند. کتاب، از دیباچه ای شامل شرح حال مؤلف و مقدمه ای به قلم تئودور نولدکه نیز برخوردار است. مطالب کتاب فاقد هر گونه تقسیم بندی موضوعی است و صرفاً در دو بخش "دوره مقدونی" و "دوره اشکانی" شکل گرفته است و در هر بخش به بررسی جنبه های دیگر تاریخ این دوره از جمله اوضاع فرهنگی، دین و اعتقادات، اوضاع اقتصادی، سازمان و تشکیلات اداری و نظامی، هنر و سایر وجوه تمدن در متن اشاراتی نشده است.

ادبیات عامیانه سنگسر

این کتاب نوشته فاطمه تعدادی سنگسری است که توسط انتشارات سیب سبز در سال ۱۳۸۱ چاپ شده است و شامل ۳ فصل می باشد.

بررسی زبان سنگسری

این کتاب توسط ناصر صباغیان در سال ۱۳۹۰ به نگارش در آمده است. این کتاب شامل فصول مختلفی می باشد. در فصل اول این کتاب، کلیاتی در مورد سنگسر آورده شده است که مطالب آن از سایتها و کتب معتبر در این زمینه اقتباس شده است. دیگر فصول آن عبارتند از:

فصل دوم : بررسی آوایی سنگسری

فصل سوم :ساخت صرفی زبان سنگسری

فصل چهارم : سامانه نحوی زبان سنگسری

فصل پنجم : مقایسه میان واژه های فارسی و سنگسری

فصل ششم : نتیجه گیری

تاریخ قومس

این کتاب در سال ۱۳۶۲ توسط انتشارات آفتاب چاپ شده است و نویسنده آن ، عبدالرفیع حقیقت می باشد. در این کتاب کلیه ی مسائل جغرافیایی، تاریخی، باستان شناسی، تحقیقات مربوط به رجال و

معاریف قومس مورد تحقیق و استقصاء قرار گرفته است. این کتاب شامل ۲۱ فصل بوده و در آن از وقایع تاریخی، اوضاع جغرافیایی، طبیعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیای تاریخی و شرح حال عارفان، دانشمندان، شاعران، هنرمندان، وزراء و مشاهیر ایالت مذکور از قدیمترین زمان ممکن تا کنون سخن رفته است.

گاهشماری سنگسری بر پایه ی یافته های تاریخی

این کتاب توسط حسن پاکزادیان به نگارش در آمده و در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات حبله رود منتشر شده است. در این کتاب نگارنده سعی کرده است با عنایت به مستندات مکتوب و با توجه به شواهد تاریخی متعدد و مقایسه با سیستم های گاهشماری همتراز که در دوره های تاریخی مورد استفاده قرار می گرفت، به تقویمی مستند با مبدأ و سرآغازی منطقی دست پیدا کند. اصلاح موارد عدم برگزاری کبیسه در گذشته و اجرای مداوم قوانین کبیسه در حال حاضر در این تقویم، به آن ویژگی مورد استفاده بودن و قابلیت اجرایی شدن بخشیده است. نویسنده مواردی که توسط دیگر همشهریان او در خصوص چاپ تقویم ستگسری صورت گرفته است را برشمرده و برخی موارد را برای گردآوری بهتر، به آنها اضافه کرده است.

فصل دوم

قومس در متون جغرافیایی و تاریخ

۱-۲- درباره‌ی قومس

ناحیه‌ی قدیم کومش (قومس در متون جغرافیای اسلامی) یکی از نواحی مشهور ایران است که از روزگاران قدیم همواره اهمیت داشته و نام آن مکرر در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی آمده است. اهمیت این ناحیه مخصوصاً در آن است که معبر طبیعی رابطه‌ی میان نواحی شرقی و شمال شرقی

ایران با نواحی مرکزی و غربی بوده و به همین جهت کمتر حادثه ای در میان شرق و غرب ایران رخ داده که اسمی از کومش در آن راه نیافته باشد.

در منابع مختلف درباره قومس نظرات گوناگونی وجود دارد که مختصراً به تعدادی از آنها اشاره شد:

در فرهنگ لغت دهخدا در ذیل قومس چنین معنا شده است:

قومس. {م} (اخ): ناحیه ای است بزرگ و در اقلیم رابع قرار دارد، طول آن ۷۷ درجه و ربع و عرض آن ۳۶ درجه و خمس و سی دقیقه می باشد. قومس معرب کومس است و سرزمینی است پهناور و مشتمل بر شهرها و ده ها و کشتزارها که در دامنه‌ی کوهستان طبرستان قرار دارد و شهر مشهور آن دامغان است که در میان ری و نیشابور واقع شده و از شهرهای مشهور آن بسطام و بیار است. گروهی سمنان را نیز از قومس شمارند و برخی آنرا جزو ری دانند.^۱

کتاب حدود العالم (تالیف سال ۳۷۲ ه.ق)، نخستین اثر جغرافیایی به پارسی، نیز می نگارد:

«قومس ناحیتیست میان ری و خراسان براه حجاج و اندمیان کوههاست و این ناحیه آبادان و با نعمت و مردمان جنگی و از وی جامه کنیسی خیزد و میوه هایی که اندر همه جهان نباشد و از آن به گرگان و طبرستان برند.»

از فحوای کلام بلاذری (متوفی ۲۷۹ ه.ق) مستفاد می شود که قومس به ناحیه و اصولاً به دامغان اطلاق می شده است چه می نویسد:

«چون مسلمانان به ناحیه قومس رسیدند اهل آن ممانعتی نکردند و دروازه های دامغان را بروی ایشان گشودند.»

از نوشته این رسته نیز بجز این مطلب چیزی استنباط نمی شود چه گوید:

«از قریه دایه تا پدر دامغان که مرکز قومس است چهار فرسخ است و راه از آنجا صاف است تا قومس می رسد و بیشترین چیزی که در آنجا فروخته می شود پارچه های طلسان است.» مهمتر از همه نوشته طبری مورخ بزرگ اسلام است که در داستان فتح قومس توسط سوید بن مقرن از رودخانه شهر قومس با نام ملاز یاد کرده که تنها بر چشمه علی مطابق است. نهایتاً می توان پنداشت که ظاهراً قومس عهد ساسانی بر جای دامغان کنونی قرار داشته و به طوری که بعداً ملاحظه خواهد شد تپه حصار و دیگر تپه های منفرد حول و اطراف آن مناسب ترین مکان جهت فرض این مورد به شمار می رود، به

^۱ دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۹، لغت نامه، تهران: سازمان لغت نامه

ویژه که منابع وقوع زمین لرزه های شدیدی را در این حدود ثبت و گزارش کرده اند.^۱ در فرهنگ معین آمده است: " نام ناحیه وسیعی واقع در ذیل کوه های طبرستان، در بین ری و نیشابور. قصبه مشهور آن دامغان است. شهرهای معروفش بسطام و بیار است و برخی سمنان را نیز جزو این ناحیه دانسته اند." ^۲

رابینو گوید:

" مازندران که سابق طبرستان نام داشته قسمتی از ایالت قدیمی فرشو داگر بشمار می رفته و این ایالت هم شامل آذربایجان، آهار، طبرستان، گیلان، دیلم، ری، قومس، دامغان و گرگان بوده است." ^۳

در مجموعه ی جغرافیای تاریخی تالیف «لسترنج» بنام «سرزمینهای خلافت شرقی» نوشته شده است که:

ایالت قومس-کومس، در دامنه ی جبال البرز و در سرزمینی کم پهنا بین کوه های البرز در شمال و کویر لوت در جنوب محصور است و شاهراه بزرگ خراسان که از ری در اقلیم جبال می آید و به نیشابور در خراسان منتهی میگردد و از سرتاسر ایالت قومس می گذرد و همه ی شهرهای قومس در سر این راه واقع بوده و امروز نام قومس استعمال نمی شود زیرا عمده ی این جزو خراسان جدید شده و قسمت باختری آن از نواحی ری، تهران کنونی گردیده و کرسی ایالت قومس «دامغان» بوده که اعراب «الدماغان» می نویسند و به عادت خود اسم ایالت را بر کرسی آن اطلاق و دامغان را قومس نیز می گفته اند. ^۴

برخی چون صنیع الدوله - مورخ معروف عهد قاجار- نزدیک روستای قشه قوشه در شش فرسنگی جنوب غربی دامغان را با کومش دوره ی ساسانی برابر دانسته که در مسافرت خود به این ناحیه (۱۳۳۰) به آثاری از خرابه، دیوار، بارو و بقایایی از آجر، شیشه، کاسه و کوزه های سفالین برخورد کرده است. به نوشته ی وی به اعتقاد مردم محل، آنچه از دل زمین بیرون می آید به اعصار باستانی قومس متعلق است. ^۵

^۱ ستوده، منوچهر (به کوشش)، ۱۴۰۳ ق، حدود العالم من المشرق الی المغرب، تهران: کتابخانه طهوری

^۲ معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، ج ۶، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۶۲۹.

^۳ رابینو، سنت لویی، ۱۳۳۶، سفر نامه مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۷

^۴ لسترنج، گای، ۱۳۶۷، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ سوم، تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۸۹

^۵ صنیع الدوله اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، ۱۳۶۲، درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان، به کوشش نعمت احمدی،

تهران: اطلس، ص ۲۷۸

جغرافی نویسان اسلامی، قسمتی از بزرگراه ایران غربی _ شرقی از لاسگرد تا عباس آباد را قومن می نامیدند که ظاهرًا معرب کومن است.

طبق نوشته‌ی بارتولد مستشرق روسی ایالت قومن همان ولایتی است که در کتاب ایزیدور خاراکسی بنام قومیسینه دیده می شود.^۱

یعقوبی در «البلدان» مینویسد:

و از ری تا قومن بر شاهراه و جاده بزرگ دوازده منزل راه است که برخی از آنها معموره و برخی در بیابانهاست و قومن شهری است با وسعت و جلیل القدر و نام شهر آن دامغان است و آن شهر اول شهرهای خراسان است.^۲

ابن خردادبه نیز در ذکر فهرست جاده ها و مسافتات «فاصله ی سمنان تا قومن را هشت فرسخ» یاد کرده بی آنکه از دامغان ذکر کند.^۳ که ظاهرًا مؤید این مطلب است که قومن بر جای دامغان و مترادف یکدیگر بوده اند.

به نوشته‌ی اصطخری در قرن چهارم هجری «قومن و سمنان و دامغان و بسطام پیوسته ی یکدیگر است»^۴ باید توجه داشت که قومن در اینجا در ردیف شهرهای سمنان و دامغان و بسطام ذکر شده و به این ترتیب جای هیچگونه تردیدی باقی نمی ماند که مرکز ایالت قومن شهری بوده است بنام قومن که اکنون وجود ندارد و نابودی آنهم بواسطه‌ی زلزله های شدیدی بوده است که در سالهای ۲۳۹ تا ۲۴۱ هجری در ایران به وقوع پیوسته و بعد از آن مرکز ایالت قومن به دامغان منتقل گردیده است. نهایتاً میتوان گفت ظاهرًا قومن عهد ساسانی بر جای دامغان کنونی قرار داشته است.

با گذشت زمان بتدریج نام و نشان قومن فراموش شده و از قرن پنجم به بعد عموماً موضع آن را با دامغان مطابق دانسته اند چنانکه در شرح احوال بایزید بسطامی، در تاریخ بناکتی می بینیم «و جدش سروشان والی نواحی قومن که دامغان میگویند بود»^۵ موضوعی که مورد تایید حتمی می باشد این است که شهر کومش یا قومن در بین شهرهای سمنان و دامغان واقع بوده است

^۱ بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ۱۳۰۸، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سر دادور، تهران: چاپخانه اتحادیه، ص ۱۶۸

^۲ یعقوبی، احمد بن ابی واضح، ۱۴۰۸ ق، البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آبتی، چاپ سوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۴۹

^۳ ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۱، المسالک و الممالک، ترجمه سعید خاکرند. چاپ نخست. تهران: میراث ملل، ص ۲۰

^۴ ابواسحق ابراهیم اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالک و ممالک، ویرایش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۷۲

^۵ بناکتی، داود بن محمد، ۱۳۴۸، روضه اولو الالباب فی معرفه تواریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار، تهران: نشر انجمن آثار ملی، ص ۱۵۷

در دائرة المعارف فارسی دکتر مصاحب در باره قومس چنین می‌خوانیم: " ایالت کوچک قدیمی واقع میان کوه‌های البرز در شمال و کویر مرکزی در جنوب که شاهراه ری به خراسان تا حدود نیشابور از آن می‌گذشت، و شهرهای عمده‌اش کنار همین شاهراه بود. مرکز آن دامغان کنونی بود، و جغرافیایان عربی زبان دامغان را نیز به نام قومس یاد کرده‌اند. خوار، سمنان، دامغان، بسطام و متعلقات آنها (از جمله خرقان بسطام) در جزو همین ایالت قومس بوده است که اکنون قسمتی از آنها جزء استان مرکزی و قسمتی جزء فرمانداری کل سمنان است"^۱.

از زمان‌های قدیم تاکنون، قومس از نظر جغرافیایی، سیاسی، تاریخی، اقتصادی و... دچار تغییر و تحولات زیادی گردید. این منطقه، در آغاز حیات تاریخی خود جزء ایالت پارت محسوب می‌شد. ایالت قومس در دوران حکومت هخامنشی، یکی از بلاد هیرکانیه به شمار می‌آمد. هیرکانیه یا گرگان در زمان پادشاهی داریوش بزرگ قسمتی از ایالت پارت بزرگ محسوب می‌شد و در آن زمان، پارت همان قلمرو استان امروزی خراسان در ایران به انضمام گرگان در گوشه جنوب شرقی دریای خزر بود. پس از تشکیل سلسله اشکانیان، اشک، هیرکانیه (گرگان) را در سال ۲۴۷ (قبل از میلاد) و سپس کوی سنا (قومس) را به تصرف خود در آورد. آن‌گاه اشک دوم پایتخت خود را به شهر سلوکی صدرروازه منتقل کرد. سمنان و دامغان کنونی به دو ناحیه تقسیم می‌شد که در اوایل تشکیل سلسله اشکانی از شهر بانشین پارتی مجزا گردید. بنابراین، تعدادی از شهرهای قومس در زمان اشکانیان؛ در زمره ایالت پارت اصلی به شمار می‌آمدند. برخی از آنها نیز جزء ایالت دیگر پارت‌ها، به نام ماد بزرگ یا عراق عجم، قرار داشتند. ایالت قومس برای آنان از اهمیت بسزایی برخوردار بود؛ به طوری که یکی از پایتخت‌های خود را در آن‌جا قرار دادند. علاوه بر آن، برخی از بقایای آثار موجود در این ایالت را منسوب به سلسله اشکانی می‌دانند. قومس، در دوران حکومت ساسانیان، بخشی از ایالت بزرگ و معروف "پزشخوارگر" به شمار می‌رفت.^۲

مجموعه التواریخ و القصص در مورد حدود و موقعیت پزشکیارگر چنین می‌نویسد: " پزشکیارگر نام سلسله جبالی است از دره خوار ری تا سواد کوه و دماوند و سلسله البرز تا رودبار قزوین"^۳.

۲-۳-وجه تسمیه قومس

در آثار مؤلفان و مورخان در مورد نام قومس اختلاف نظر وجود دارد، ولی به طور کلی سه وجه

^۱ مصاحب، محمود، ۱۳۵۶، دائرة المعارف فارسی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی

^۲ نفیسی، سعید، ۱۳۳۱، تاریخ تمدن ایران ساسانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۲۶۵

^۳ نامعلوم، ۱۳۱۸، مجموعه التواریخ و القصص، تصحیح ملک الشعراء بهار، به همت محمد رضانی، تهران: خلاصه خاور، ص ۳۶